

وزیر دربار گفت شورای اسلامی خوب است چرا بشورای ملی بدل گردید جناب آقا میرزا محمد صادق جواب داد برای اینکه رعیت این لفظ را خواست که فردا اگر کسی را از هسل مجلس بخواهند نفی و تبعید کنید خواهید گفت این بی دین و خارج از اسلام است. باین بهانه اشخاصیکه مخالف میل شما رفتار نموده اند باید خارج شوند اما لفظ ملی این عیب را مانع خواهد بود دیگر آنکه اگر اسلامی مبدل به ملی نشود مردم از سفارتخانه بیرون نخواهند آمد باری دیگر از مذاکرات آن روز آنکه و کلاه آقایان گفتند دستخط شاه باید بصورت ملفوفه نوشته شود که بملاوه صحه شاه مهر ناه را نیز داشته باشد و صدراعظم هم فرمان را مهر کند و ثبت دفتر هم بشود که آنوقت رسمیت داشته باشد دیگر آنکه بعض عبارات تغییر و تبدیل نشود صدراعظم گفت باید برطبق میل علماء و ملت رفتار کنیم نایب السلطنه گفت ضرری ندارد که عرایض ملت را حضور اعلیحضرت عرض کنیم لذا صدراعظم بانایب السلطنه حرکت کردند که بروند حضور اعلیحضرت شاهنشاه بجناب آقا میرزا سید محمد صادق و سایرین هم تکلیف کردند که شما هم بیائید حضور و باهم عرایض ملت را عرض کنیم و کلاه آقایان بملاحظه اینکه شاید در حضور اعلیحضرت مجبور شوند بقبول آنچه که میل دربارها در آنست لذا عذر آوردند و گفتند که ما از طرف علماء و آقایان مهاجرین آمده ایم که یا وزراء مذاکره نمائیم نه باشاه نایب السلطنه چون میدانست اگر امیر بهادر حضور اعلیحضرت مشرف شود سنگت جلو می اندازد و مانع اصلاح خواهد گردید لذا بصدر اعظم رسانید و گفت شاید شما بخواهید که با شاه بعض مطالب محرمانه را گفتگو نمائید و شاید شاه بخواهد بعض فرمایشات محرمانه سری بفرماید من با وزیر دربار نمی آئیم صدراعظم قبول نمود و تنها رفت حضور شاه و آنچه میدانست عرض کرد اعلیحضرت شاهنشاه مستدعیات را قبول فرمود فرمانرا امضاء و مهر نمودند کار تمام شد فرمان را آورد و داد بو کلاه آقایان.

امروز بعضی از دانشمندان صورت دستخطی نوشتند و در سفارتخانه خواندند و گفتند باید اینطور دستخط نوشته شود و بامضاء شاه برسانند لکن رؤساء تجار گفتند دیگر کار گذشته است و هر ساعت نمی توان شاه را مجبور نمود که دستخط را عوض کنند ولی ما صورت آنرا ذیلا درج میکنیم که خوانندگان تاریخ بدانند اگر و کلاه آقایان نیامده بودند مردم بهتر کار را میگردانیدند و این صورت بهتر از آن صورتی است که صدراعظم صادر کرد و هذا صورته.

صورت سواد دستخطی که بامضاء فرسائیدند

محض دوام دولت و بقای سلطنت و قوام هیئت اجتماعیه ملت تأسیس مجلس شورای ملی که عبارت از مجلس تنظیمات و مرکب از و کلاه منتخبین ملت و رجال باسیاست امین دولت به حیثیتی که حاکم باشد بر جمیع دوائر دولتی و امورات مملکتی و تمام ادارات لشکری و کشوری از قبیل اداره معارف و وزارت تجارت و فلاح و صناعت و معادن و شوارع و طرق و اداره نظمی و هیئت نظام عسکری و اداره مالیه و وزارت عدلیه با شمول منتخبین قصبات و ولایات بعیده در هیئت انجمن شورای ملی مقرر

فرمودیم و باید شعب وزارت عدلیه بقانون جدید در جمیع ولایات حاکم نشین دائر و تأسیس و برقرار شود و در تمام بلاد و قوی، کلیه مطالب غامضه سیاسیہ رجوع بانجمن شورای ملی مرکزی شود و در امورات جزئی داخلی بهمان شعبات وزارت عدلیه که در ولایات حاکم نشین قائم است فیصله دهند و باید احکام مبحث علت‌های در مجلس شورای ملی بنابر قاعده اکثریت آراء مردود و مقبول افتد و بتوسط یکی از اعضای منتخب مجلس شورا بحضور مبارک مرور و البته بجزی شود و باید این دستخط صادره را سفرای دول متمدنه تصدیق نمایند. این صورت را اگر رسانیده بودند بصدر اعظم بامضاء میرسانید ولی حیف که بهمان صورت فرمان قناعت کردند.

روز جمعه ۱۹ جمادی الاخری ۱۳۲۴ هجری - امروز اکثر اهل سفارتخانه و متحصنین از سفارتخانه خارج شده و بازارها را باینکه جمعه بود باز کردند تهیه چراغانی را دیده ولی رؤساء و تجار و اساتید هرفنی هنوز در سفارتخانه میباشند چادرها هنوز سرپا می باشد تا آقایان مراجعت کنند.

جناب آقا میرزا محمد صادق تلگراف مفصلی بقم مخبره نموده و صریح در تلگراف نوشتند که اگر حرکت نکنید و بطرف طهران نیائید کار خراب میشود مسلمین از دست میروند زیرا که دولت قبول کرده است مجلس شورا را بدهد بلکه متقبل شده است آنچه را که بخواهید دیگر مسامحه و ملاحظه روانیست لکن باین اصرار امروز و دیروز که مخبره کرد جوابی نرسید مردم حیران و بدون تکلیف میباشند.

در قم هم آقایان مشغول تهیه حرکت می باشند جناب آقا میرزا مهدی ولد حاج شیخ فضل الله که همراه پدرش حرکت نکرد این ایام نزد آقایان و مشغول مشق پیاده نظام است به طایفه ضابط و محصلین ابتدای ورود بسفارتخانه از روز چهارشنبه بیست و چهارم جمادی الاولی ۱۳۲۴ بود الی امروز که جمعه ۱۹ جمادی الاخری می باشد بیست و پنج روز است لکن تا چادرها گنده و بساط بر حیده شد یکماه طول کشید چه روز دوشنبه ۲۲ شروع باین کار شد که مطابق با حرکت آقایان و هجرت آنان باشد و انتهایش نیز آمدن آقایان بود که جناب آقا سید عبدالله و جناب آقا میرزا سید محمد آمدند دم سفارتخانه و بقیه السیف را حرکت دادند پس مدت تعصن در سفارتخانه و هجرت آقایان از طهران بقم و معاودت آنان درست یکماه بود العجب کل العجب بین الجمادی و المرجب در واقع اشاره ایست باین واقعه بزرگ تاریخی باری اکثر از مردم امروز از سفارتخانه خارج شدند.

روز شنبه بیستم جمادی الاخری ۱۳۲۴ هجری - امروز بازارها باز شد اکثر مردم آمدند در بازار برای تهیه چراغان و بعضی هم ماندند در سفارتخانه تا تأسیس مجلس و آمدن آقایان شب گذشته بملاحظه عدم تهیه، چراغان صحیحی نشد از طرف صدر اعظم بتمام بلدان ایران تلگراف شد که آقایان مهاجرین مراجعت می کنند و باید در شهرهای ایران چراغانی کنند و جشن انعقاد مجلس شورای ملی را بگیرند.

حاج محمد تقی و برادرش حاج حسن که وکیل خرج بودند در سفارتخانه با حاج سید صراف که او هم زحمت کشیده و از مال و جان دریغ نکرد امروز آمدند منزل آقای طباطبائی که با جناب آقا

میرزا محمدصادق قراری برای استقبال از آقایان گذارند بنام حاج سید صراف تاحسن آباد برودولی حاج محمدتقی در سفارتخانه باشد تا دستورالعمل برای او از حسن آباد تلفن شود امروز جناب آقا میرزا محمد صادق نیز فرستاد در تلگرافخانه و مطالبه جواب نمود معلوم شد هنوز آقایان جواب تلگراف را نداده‌اند و حرکتشان معلوم نیست - اهل بازار امشب را نیز در تهیه چراغانی میباشند .

روز یکشنبه ۲۱ جمادی الاخری سنه ۱۳۲۴ هجری - دیشب چراغان باشکوهی بود جمیع بازار و سراها چراغان بود مردم خوشحال و خرم بودند جناب صدراعظم باجمعی از رجال دولت آمدند بازار در سرای امیر در حجره حاج حسین آقا بقدریک ساعت نشسته موزیک حاضر شد بقدر نیم ساعت موزیک زدند بعد از صرف چای و قلیان و شربت و شربنی در سرای حاج حسن هم نیمساعت نشستند در بازار مردم را تبریک گفته بسیار بخوبی سلوک می نمود مردم این سلوک صدراعظم را که میدیدند عداوت عین الدوله را در سینه بیشتر قرار میدادند .

یک شبنامه هم در این روزها در مجامع و مدارس و کوچه ها افتاده شد که صورت آن از این قرار است .

صورت شبنامه

مجلس ملیه اسلامی

در آن نمره اشاره کردیم که مجلس ملی عبارت است از آنکه هر طبقه از طبقات ملت مثل علماء و ملاکین و تجار و ارباب صنایع و کسبه از قبیل عطار و بقال و علاف و کفاش و غیره و غیره هر صنفی از اصناف رعیت یک نفر دانشمند امین هر طبقه از طبقات خودشان حاضر شوند در باب مصالح و مفاسد مملکت و ملت سخن رانند و مشورت نمایند که هر چیز باعث آسایش ملت و موجب آبادی مملکت است در صدداو بر آیند و کدام کس علت خرابی مملکت و صدمه ملت است قلع و قمع نمایند از چه راه مملکت صاحب ثروت و امنیت خواهد شد و بچه چیز مفاسد و معایب بر اثر آن رفع شود و هم باید از سایر بلدان ایران از هر ولایت از طرف رعیت یک نفر دانشمند با صداقت در مجلس مرکز حاضر باشد چنانچه شرح آن در نمره سابق عرض شد چنانچه مسلم است مهام ملتی و مملکتی جزاً و کلاً از عزل و نصب حکام مطلقاً و غیره تمام در مجلس مذاکره شود اهل مجلس هر چه رأی دادند باید از آن قرار رفتار کرد و نیز پوشیده نماند امناء مزبوره مادامیکه از طرف ملت و کالت دارند که خلاف امانت و دیانت از آنها ظاهر نشود که اگر بقدر خردلی خیانت از هر یک ظاهر شود آحاد و افراد ملت حق دارند که در مجلس حاضر شوند و خیانت او را برسانند و معزول نمایند او را و دیگری را بجای او منعوب نمایند و این مطلب هم مسلم است که شرافت در مجلس معدلت ملی بدانش و امانت است چه آنکه دیده خواهد شد بسا کسانی که دارای منصب و ثروت و دولت و پسر فلان و بهمان بلکه دارای تغت و تاج کیان در این مجلس راه نیابد و اشخاصیکه زاویه نشین عزلت گزین در این مجلس سمت عضویت بهمرسانید و دارای درجات عالیه گردند این نمره را هم در کمال دقت ملاحظه فرمائید .

آقایان مهاجرین از قم حرکت کردند باین حال که يك منزل آقایان بیایند آنوقت گاری و دوشکه و مالها را برگردانند طلاب و سادات را حرکت دهند بعضی از طلاب که پیاده با آقایان آمده بودند در بین راه اسبهای غلامهای کشیکخانه و سوارهایی که مأمور بودند با آقایان باشند گرفته و سوار شدند بی چاره سوارها التماس میکردند حالا که اسبهای ما را سوار شدید تفنگهای ما را نیز گرفته با خود داشته باشید چه مارا قوه حمل این تفنگها در این هوای گرم نیست اگرچه طلاب اکثرشان مریض و علیل بودند و هوای گرم قم بآنها صدمه زده بود لکن باز با سوارها همراهی میکردند گاهی دو نفر یکی از طلاب و یکی از سوارها دو پشته سوار می شدند بعضی از اوقات سواره و پیاده بودند یعنی يك فرسخ طلبه سوار می شد و يك فرسخ سوار صاحب اسب با وی اگرچه طلاب علی الظاهر اجحاف بسوارها میکردند لکن در عوض سر منزل آنها را بنذا و چای و قلیان و سیگار سیرو تلافی میکردند سوارها هم در مراجعت راضی بودند که صدمه از آنها به اهل علم و اولاد پیشبر نرسید بلکه خود را خادم آنها قرار دادند باین حال آقایان منزل بمنزل راه را می گذارانیند .

روز دوشنبه ۲۲ جمادی الاخری ۱۳۲۴ - در این روز دوشنبه مردم در تهیه استقبال از آقایان مهاجرین می باشند از حضرت عبدالعظیم الی حسن آباد در اکثر نقاط چادرها زده اند و تهیه ورود و اردین را دیده بقدر پنجاه شصت نفر از تجار آرامنه در کهریزك چادر زده اند . اشخاصیکه در سفارتخانه متعصن بودند در هر چادری ده نفر ماندند مابقی رفتند استقبال شب گذشته در شهر نیز چراغانی بود از قرار مسموع اعلیحضرت شاهنشاه از جهت انعقاد مجلس خیلی خوشحال و خورسند می باشند روز گذشته تغییر و تشددی به نیرالدوله حاکم طهران و سپهدار فرمودند که شما را کی حکم داد که با سادات و علماء طرف شوید و سادات را تفنگ زنیید و بکشید که تا دامنه قیامت طایفه قاجاریه مورد لعن و طرد مردم واقع شوند و اسم آنها را در تواریخ به بدی به برند .

از طرف دولت هم از برای استقبال از آقایان تهیه خوبی دیده شده است که فردا يدك و کالسکه و دوشکهای دولتی را هم جلو آقایان ببرند .

جمعی از طلاب در مدرسه خان مروی انجمنی کرده اند و میگویند نظامنامه مجلس شورای ملی را باید با حلاله ما بنویسند و خودشان شروع کرده اند در نوشتن نظامنامه .

حاجی سید عبدالحسین واعظ و آقا سید محمد تقی سمنائی هم رفته اند در مسجد جامع و در آنجا مجلس دارند تعجب میکنم آن روزی را که در مسجد جامع تیر تفنگ خالی شد همین حاج سید عبدالحسین را دیدم که پسر خود را که ده سال داشت گذارده و فرار کرد ولی امروز این آقا بانهایت قوه قلب در همان مجلس مسجد نشسته و فریاد مشروطیت را با آسمان میرساند بفاصله يك ماه آن ترس خوف کجا رفت و این قوه قلب از کجا آمد کسی که پسر کوچک و طفل صغیر خود را گذارده و فرار میکرد امروز برای انباء وطن کار میکند .

روز سه شنبه ۲۳ جمادی الاخری ۱۳۲۴ - شب گذشته در شهر نیز چراغانی مفصلی بود ولی بعضی از مردم چراغان نکرده و چراغانی را گذاشتند برای ورود آقایان امروز حضرات آقایان و علماء

مهاجرین ظهر را وارد کهریزك شدند عصر دم زنجیر عصرانه میل نمودند نزدیک غروب آفتاب وارد حضرت عبدالعظیم شدند از قم تا ورود بحضرت عبدالعظیم هنگامه بود که صفحه تاریخ یاد داده است طایفه آرامنه بقدر صد نفر در کهریزك چادر زده بودند ، طایفه یهود بین حضرت عبدالعظیم و کهریزك بقدر پانصد نفر در زیر چادری بودند گوسفند بسیاری برای قربانی و کشتن آورده بودند مجمل و مختصر آنکه از کهریزك تا حضرت عبدالعظیم زیر چادر بود طنابهای چادرها بهم وصل بود اصناف و کسبه بعضی در سفارتخانه و اکثر در حضرت عبدالعظیم می باشند شاگردها دکا کین را باز کرده اند ولی امروز جار کشیدند که فردا دکا کین را به بندند .

روز چهارشنبه ۲۴ جمادی الاخری ۱۳۲۴ - امروز جمیع بازارها و سراها بسته شد همه مردم و کسبه از مسلمانان و آرامنه و یهود و گبرها برای استقبال ورود آقایان رفتند به شاهزاده عبدالعظیم اشخاصیکه جلوتر رفته بود آنها هم در زاویه حضرت عبدالعظیم حاضر بودند از طرف دولت وزیر علوم حکم کرد مدارس را تعطیل نمودند خود وزیر علوم هم آمد بحضرت عبدالعظیم.

دیشب مستشارالملك از طرف دولت پذیرائی نمود و مردم را شام و غذا داد حاج مدیرالدوله و شهاب الممالک و جمعی دیگر از بزرگان از طرف دولت آمدند بحضرت عبدالعظیم در سه ساعت از دسته گذشته حضرات مهاجرین سوار شدند کالسکها و دورشکها های دولتی حاضر شده طلاب و سادات را سوار کردند درشش ساعت از دسته گذشته وارد دروازه شدند بقدر پنج شش هزار نفر مردم پیاده اطراف کالسکه آقای طباطبائی و آقای بهبهانی را گرفته در این هوای گرم همراه کالسکه پیاده میدویدند در آب انبار قاسم خان که قبرستان است پیاده شده و در قهوه خانه که آنجا بود قدری مکث و توقف کردند نایب السلطنه برادرشاه که سپهسالار است با پانصد نفر قزاق و سواره تا آب انبار استقبال نمودند کالسکه مخصوص شاه را آوردند که آقایان سوار شوند آقایان قبول نکردند نایب السلطنه رفت در قهوه خانه و التماس نمود که بقدر صد قسمی هم باشد سوار کالسکه شاهی بشوید که شاه مکدر نشود لذا حضرت آقای طباطبائی و آقای بهبهانی در کالسکه شاهی سوار شده بقدر صد قدم بدروازه مانده پیاده شدند و سوار قاطر شدند دیگر جمعیت سواره و پیاده را خدا میدادند یدک متجاوز از صد و پنجاه عدد بود که سی عددش از طرف دولت بود کالسکه و دورشکه بقدر پانصد عدد مجانی بود چه دولتی و چه غیر دولتی از آب انبار قاسم خان تا دم دروازه سی و شش گوسفند کشته شد دیگر از دم دروازه تا منازل آقایان از شماره خارج ولایع دولایحصی بود در جلو آقایان جناب معتمد خاقان که حاکم قم بود و از قم تا شهر با آقایان بود یا جناب معین حضور سواره حرکت میکردند و مردم را امر ونهی میکردند و نظم و انتظام مستقبلین را میدادند دیگر هر کس از هواخواهان ملت در خدمت خود حاضر بود حاج شیخ فضل الله تحت الشعاع بود کسی را نظری باو نبود بعدی کله بود که بنده نگارنده در بحالتش سوخت چه با آن حب ریاست احدی دست او را نبوسید و کسی اعتنا باو نمیکرد . در حضرت عبدالعظیم سه مسئله طرح شد و همه آقایان متفق و متحد شدند بر این سه مسئله و خطا بهم خوانده شد و این سه مسئله را بعموم مردم گفتند .

اول - آنکه دید و بازدید آقایان موقوف گردد تا انعقاد مجلس یعنی تاجمجلس منعقد نگردد آقایان از احدی بازدید نکنند و منزل احدی نروند .

دویم - آنکه سرافعات و رسیدگی علماء بامورات شرعیه تا انعقاد مجلس موقوف باشد .

سویم - آنکه آقایان از شاه دیدن نکنند تا اینکه مجلس منعقد شود آنوقت برای اظهار تشکر حضور شاه بروند بحالت اجماع و هیئت اتفاق . باری در سامت پنج بغروب حضرت حجة الاسلام آقای طباطبائی و آقای بهبهانی احیاء کننده دین اسلام و موجد و باعث تمدن در ایران وارد خانه خویش گردیدند و مردم شربت و چای صرف نموده بخانه های خودشان مراجعت نمودند . در سفارتخانه هم امروز جمعیت از دیروز زیادتر میباشد تا مجلس برپا نشود خارج نخواهند شد .

امروز عصر آقایان برای دیدن بیرون نیامدند هر کس آمد قلیائی کشیده مراجعت میکنند . روز پنجشنبه ۲۵ - شب گذشته بازارها و سراها چراغان مفصل باشکوهی بود در سرای حاج حسن و سرای گبرها موزیک میزدند باز مردم در سفارتخانه زیاد شدند و میگویند تاجمجلس منعقد نشود ما از این محل خارج نخواهیم شد لکن طرف عصر آقای آقا سید عبدالله و آقای طباطبائی رفتند دم سفارتخانه در قراولخانه که نزدیک سفارتخانه بود جلوس فرمودند متحصنین آمدند نزد آقایان پس از مذاکرات بسیار آقایان مردم را راضی نموده و بیرون آوردند . لکن اسباب ها و چادرها را بنام فردا ببرند . امروز حکمی از صدر اعظم صادر گردید باین مضمون :

حکم صدر اعظم

جناب جلالتمآب اجل اکرم محقق السلطنه دام اقباله . برای افتتاح و انعقاد مجلس محترم شورای ملی مقرر گردیده است از فردا که روز جمعه بیست و ششم است عمارت بزرگ وسط باغ بهارستان بجهت اجزاء محترم مجلس معین شود البته حسب الامر از فردا صبح قدغن نمائید عمارت مزبوره را تنظیف کرده اجزاء و سرایداران حاضر باشند که اجزاء مجلس به میمنت در ضل مراحم بتدگان اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه در آنجا حاضر و شروع بکار نمایند زیاده زحمت است .

روز جمعه ۲۶ جمادی الاخری ۱۳۲۴ - امروز بنا بود در باغ بهارستان که نزدیک مدرسه سیهسالار می باشد مجلس منعقد گردد لکن آقایان قبول نکردند که این مکان در وسط شهر واقع نیست و مجلس باید در وسط شهر باشد که دسترس عموم مردم باشد و انگهی عمل این مکان باید باذن و اجازه ورئه مرحوم سیهسالار بگذرد و آن زمانی را می خواهد ، لذا قرار شد در مدرسه نظامی از فردا که روز شنبه است مدعوین و علماء اعلام در آنجا حاضر باشند و اگر مانعی نرسد طرف عصر را بروند حضور شاه در صاحبقرانیه برای اظهار تشکر . امروز حاج حسین آقا و حاج محمد اسمعیل مغازه و معین بوشهری و جمعی دیگر از تجار معتبر آمدند خدمت حضرت حجة الاسلام آقای آقا میرزا سید محمد طباطبائی برای کسب تکلیف و طرف عصری هم جناب آقای بهبهانی و جناب حاج شیخ فضل الله و جناب صدر العلماء آمدند نزد آقای طباطبائی برای تکلیف فردا . اشخاصیکه در سفارتخانه باقی مانده بودند امروز رفتند

چند نفر از تجار دم در چادرها را تفحص میکردند هر چه قند و چای و برنج و اشیاء دیگر در بین آنها در این چند روزه بعضی ذخیره کرده بودند پس میگردفتند، خبر تلگرافی رسیده دیشب در اصفهان چراغان بوده علماء اعلام جشن مجلس را گرفته اند.

روز شنبه ۲۷ جمادی الاخری سنه ۱۳۲۴ هجری - امروز مجلس در مدرسه نظامیه برپا شد قریب سه چهارهزار نفر جمعیت در مجلس و خارج مجلس جمع شدند بقدر پانصد نفر از علماء و وزراء و ابناء سلطنت و نایب السلطنه در مجلس نشسته بودند صدر اعظم بعد از پذیرائی برخواست و لایحه خواند اهل مجلس محض احترام و تشکر از این مجلس برخواستند بعد از قرائت لایحه صدر اعظم جناب حاج شیخ مهدی سلطان المتکلمین که از اعظام واعظین و ملت خواهان است برخاست از طرف ملت لایحه خواند که مشتمل بود بر اظهار تشکر از طرف ملت بعد از اتمام لایحه جناب اجل عضد الملک که رئیس مجلس بود يك طاقه شال ترمه کشمیری خلعت داد بجناب حاج شیخ مهدی حضرات واردین که بر حسب دعوتنامه دولتی حاضر بودند صرف شربت و شیرینی نموده جناب عضد الملک از طرف اعلیحضرت اظهار محبت بمردم نموده پس از اتمام لایحه ملت عموم حضار صداها را بزنده باد ملت، شاه، ایرانیان و پاینده باد ملت ایران بلند کردند و صرف شربت و شیرینی نموده با خاطرهای شاد متفرق گشتند.

صورت لایحه مشیر الدوله صدر اعظم

البته هر کدام از ماها که در این مجلس شرف حضور داریم مختصراً میدانیم که مقصود از تشکیل این مجلس محترم واجتماع آقایان علماء و وزراء و اعیان و اشراف و تجار واصناف در این مجلس چیست ولی محض اینکه نیت یاک و مقدس بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی خلدالله ملکه بطور شایسته مکشوف و معلوم باشد ازوماً باستحضار خاطر محترم آقایان عظام میرسانیم که چنانکه البته خاطر شریف همگی مسبوق است بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی مصمم شدند که ابواب نیکبختی و سعادت بروی قاطبه اهالی ممالک محروسه ایران باز شود و اصلاحات مفیده لازمه که باعث مزید استحکام مبانی دولت و خوش بختی ملت است بمروور ایام بموقع اجراء گذارده شود و چون این خیال مقدس شاهانه بدون همدستی و معاونت قاطبه اهالی ایران بآن طوریکه منظور نظر معدلت اثر همایونی است انجام پذیر نمی شد رای مبارک همایون شاهنشاهی بر آن تعلق گرفت که مجلس شورائی از منتخبین طبقات معینه بطوریکه تفصیل آن در دستخط از تاریخ ۱۴ شهر جمادی الثانیه یونتئیل ۱۳۲۴ مشروح است در دارالخلافه طهران تشکیل و تنظیم شود چون لایحه قواعد انتخابات و لایحه نظامنامه این مجلس شورای ملی باید با کمال دقت موافق دستخط مبارک همایونی ترتیب داده شود و البته میدانید که انجام این کار مستلزم وقت و فرصت معینی است لهذا برای اینکه بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی خلدالله ملکه دلبلی واضح و حجتی کافی در تصمیم رای مبارک خودشان برای تشکیل و ترتیب مجلس شورای ملی بقاطبه اهالی ایران داده باشند مقرر فرمودند که هجالت محل موقتی این مجلس محترم معین و در آنجا با حضور آقایان علماء و وزراء و اعیان و اشراف و تجار واصناف صرف شیرینی و شربت بشود

بدیهی است که اولیاء دولت اهتمام بلیغ خواهند نمود که قواعد انتخابات و نظامنامه مجلس شورای ملی بزودی موافق دستخط مبارک همایونی از ۱۴ جمادی الثانیه مرتب و اعضای مجلس ملی در طهران جمع و بافتتاح این مجلس محترم نایل شویم از خداوند خواهانیم که سایه بلند پایه اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی را بر قاطبه اهالی ایران مستدام و بفرزندان صدیق وطن مقدس توفیق کرامت فرماید که متفقاً با اولیای دولت در افتتاح ابواب نیک بختی بروی ایرانیان بکوشند و این دولت و ملت قدیمه پنج هزار ساله ایران را باوج سعادت برسانند .

صورت لایحه ملت که سلطان المتکلمین آقا شیخ مهدی

از طرف ملت قرائت نمود

بسم الله الرحمن الرحيم - الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله الصاهرين وبعد فقد قال الله تبارك وتعالى في كتابه المجيد . اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الحمد لله الذي اذهب عنا الغزن ان ربنا انعمور شكور . خدا را شکر که از توجه ظاهر و باطن امام عصر عجل الله فرجه الشريف و از شمول توجهات كامله پادشاه رحمت پرورد عدالت گستر امروز شب تاریکی و بی نوائی ملت ایرانیان سر آمد و آفتاب سعادت و اقبال ایشان طلوع نمود حسن استعداد و قبول قابلیت ملت سبب شد که پادشاه دل آگاه نیت مقدس که در نجات مملکت و حیات ملت در خاطر الهام مظاهر نهفته بود در این زمان سعادت فرجام به منصفه شهود رسانید و فرزندان عزیز خود را که در حجر رأفت پرورده بود اینک در مصالح خود مطلق و آزاد داشت تا آنچه را که برای مصلحت وقت خود لازم دانند بگویند و بکنند و خرابیهای گذشته وطن عزیز خود را مرمت نمایند .

شبهه نیست که استقلال سلطنت موقوف به ثروت رحمت و تربیت ملت است و تربیت ملت موکول با استقلال سلطنت ، ملت اگر رأی شخصی و شورای ملی خواست برای حفظ بیضه اسلام و قدرت سلطنت بود و دولت هم که قبول این استدعا را فرمود برای تقویت ملت و اختیار تمامه آنها در ترقی مملکت بوده و اینست که بعنایات كامله خداوندی و بموجب دستخط آفتاب نقی همایونی این طور اتحدادی محکم فیما بین نمایندگان دولت و ملت حاصل گشت و حسن استعداد ملت سبب شد که دولت حقوق شخصی و ملی آنان را تصدیق فرمود جای آنست که این هیئت مجلس در بیداری ملت و آگاهی آنها بحقوق مشروع خود نهایت مساعدت را بجای آورند نامت هم بتواند بانهایت قدرت حقوق سلطنت خود را محفوظ دارد و حالاً که از خواب غفلت برخاسته در مقام مرآت خرابیها برآمده بر اهنمائی علماء دین پرور و وزرای دولت خواه وطن پرست معایب کابیه نواقص حالیه که مدار مملکت را از کار بازداشته دور دارند و اصلاحات لازمه در تمامه دوایر دولتی و ادارات مملکتی مرتب کنند و مطمئن باشند که آنچه از رؤساء روحانی و وزرای بزرگ بر آید و لازم باشد در مساعدت با آنها بدون تأمل بعمل خواهد آمد و به موقع اجراء خواهند گذاشت در این وقت با کمال مسرت و خوشبختی از طرف خود اصالة و از جانب

هیئت ملت و کالته تشکیل این مجلس شورای ملی را که فقط برای رسم افتتاح است شکر موفور بعمل آورده تشکرات قلبیه و ادعیه خالصانه تقدیم حضور مبارک اعلیحضرت پادشاه معظم و متبوع معظم ایرانیان می نمایند و عجاله با این معدود ازو کلا که منتخبین از پای تخت می باشند شروع بمقصود نموده انتظار میبریم که بفرصت و کلائیکه باید از تمام بلاد منتخب شوند به ترتیب مخصوص انتخاب شده در دارالخلافه حاضر شوند و هر چه زودتر این مجلس که مجلس شورای ملی باشد موافق نظامنامه تکمیل نواقص خود درانموده در استحکام مبانی سلطنت و استقرار حقوق ملت نتایج متحسنة را بعون الهی ظاهر سازد والسلام علی من اتبع الهدی .

روزیکشنبه ۲۸ جمادی الاخری ۱۳۲۴ هجری - در این روز میرزا نصرالله خان مشیرالدوله صدراعظم دیدن کرد از آقایان علماء اول آمد منزل حضرت حجة الاسلام آقای آقامیرزا سید محمد طباطبائی مشیرالملک پسر بزرگترش نیز با او بود مذاکره در مجلس از ترویج معارف و تشکیل مجلس شورایی بود جناب حجة الاسلام آقای طباطبائی توسطی از محبوسین کلات فرمود و خصوصاً از مجد الاسلام . صدراعظم گفت تلگراف مرخصی آنها را مخا بره کردیم ولی شاه فرموده است مجد الاسلام طهران نیاید در غیر طهران هر جا بخواهد برود دو بیست تومان بهم بباشد به مجد الاسلام بدهند که صد تومان تلگراف نمایند در خراسان باو بدهند بیست تومان هم بخانه او بدهند مابقی را هم بعدها باو برسانند بعد از صرف چای و شربت و قلیان با جناب حجة الاسلام آمدند بیرونی برای ملاقات شاگردان مدرسه دارالفنون و مدرسه فلاحت که بعضی از آنها در سفارتخانه بودند و بقدر صد نفری از آنها عارض شده و در تالارخانه حجة الاسلام نشسته بودند همگی را خواسته آمدند توی حیاط جناب صدراعظم فرمود که چه مطلب دارید و چرا متحصن شده اید شاگردان دومدرسه عرض کردند که مسیوداشر رئیس مدرسه فلاحت یکی از شاگردان را حبس کرده است بجرم آنکه رفته است در سفارتخانه و جزو متحصنین بوده است صدراعظم گفت اعلیحضرت شاهنشاه عفو عمومی داده است البته از رئیس مؤاخذه خواهد شد چرا بی جهت شاگرد محترم مدرسه را حبس نموده است بعد از آن رو کرد به شاگردان مدرسه دارالفنون که شما چه میگوئید آنها عرض کردند ما درس خواندیم زحمت کشیدیم چرا دولت بما کار نمیدهد صدراعظم گفت دیلیم یعنی تصدیق نامه دارید جواب دادند هفت نفر تصدیق نامه داریم فرمود تصدیق نامه خود را بیاورید در مجلس شوری البته زحمت شما بهدر نمی رود بشما کار خواهیم داد هر کدام هم که تصدیق نامه ندارید هر وقت تحصیلات شما با آخر رسید تصدیق نامه مدرسه را بیاورید در مجلس شوری اجزاء مجلس بشما کار میدهند یکی از شاگردان گفت شاگرد طب چه کند صدراعظم گفت ما طبیب و مهندس و محاسب و جغرافی دان لازم داریم فرق نمی کند هر که باشد کار خواهیم داد نهایت تشویق را فرمود و رفت منزل جناب حاج شیخ فضل الله ظهور برای نهار آنجا مانده چه منزل آقای بهبهانی اول رفته بود جناب حجة الاسلام آقای آقامیرزا سید محمد و جناب عضدالملک هم تشریف بردند آنجا با حاج شیخ فضل الله و صدراعظم خلوت کرده مطالب سری را عنوان کردند از مطالب و مذاکرات علنی آنکه باید قانون مالیات را بر طبق قانون اسلام کتابچه و مدون کنند و قانون اسلام را اجراء دارند .

طرف عصر تمام آقایان و علماء اعلام دارالخلافة برای عرض تشکر و تقدیم دعا بحضور همایون با دعوت مخصوص از طرف قرین الشرف خسروانی شهر یاری به کالسکهای سلطنتی سوار شده از شهر به صاحبقرانیه رفتند ابتداء رفتند منزل وزیر دربار هر چه منتظر نشستند جناب آقا سید عبدالله نیامد لذا آقایان حضور شاه مشرف شده شاه کبیر اظهار مرحمت و رؤفت خویش را فرمود آقایان هم اظهار تشکر نموده پس از مراجعت آنان جناب آقا سید عبدالله وارد شد و تنها رفت حضور شاه . در امر و زاین حرکت جناب آقا سید عبدالله اسباب خیال آقایان شد و از امر و زحاج شیخ فضل الله در خیال افتاد و دید که آقای بهبهانی جلو افتاده است باری عصای آقای آقامیرزا سید محمد که وقت رفتن حضور شاه در اطاق وزیر دربار ماند در مراجعت آنچه فحص کردند عصا را نیافتند اگر چه عصای آقا قیمتی نداشت لکن چون بی عصا عادی بر رفتن نبودند ایستادند و فرمودند عصای دیگری بیاورید امیر بهادر وزیر دربار انسانیت نموده عصای سر طلالی خود را که قیمتی معتدبه داشت تقدیم حضرت آقای طباطبائی نمود .

حسب الامر شاه وزارت عدلیه را دادند بجناب میرزا احمد خان مشیر السلطنه حکومت طهران و مضافات را دادند بجناب غلام حسین خان غفاری وزیر مخصوص که سابقاً وزیر عدلیه بود . در باب حل و عقد هم مشغول نوشتن نظامنامه انتخابات می باشند پس از معاودت آقایان از قصر سلطنتی صاحبقرانیه صرف چای و شیرینی را در کاسرانیه به میزبانی حضرت والایب السلطنه امیر کبیر نمودند وزیر جنگ اعنی نایب السلطنه اظهار دوستی و یگانگی و اتحاد و اتفاق را با آقایان نموده مجدداً معاهده و داد و یک جهتی نمودند .

روز دوشنبه ۲۹ جمادی الاخری ۱۳۲۴ - امروزتجار و اصیان بنای دیدن را از آقایان گذارده و دیدن می کنند تلگرافاتی هم از اطراف مخبره می شود که ما بتدریج صورت بعضی را درج مینمائیم .

تلگراف از باجگیران قفقازیه

حضور سر کار سید الاحرار حاج سید محمد آقا طباطبائی - از نایل شدن حضرت تعالی بمرام آزادی ملت از صمیم دل تشکر ارادتمندان تقدیم محضرانور عالی مینمائیم و توفیق حضرت تعالی در خوشبختی ایران از خدا خواهانیم .
(مسلمین قفقاز)

جواب

باجگیران - خدمت عموم برادران قفقازی از حسن نیت و خلوص عقیدت آن برادران معظم که حاکی از غیرت ملیت و حمیت اسلامیت است خوشوقت و از اطمینان شادمانی و همراهی که از اصلاح حال ملت و آزادی اسلامی مملکت و افتتاح مجلس شورایی ایران فرموده بودید متشکر از خداوند

استحکام و قوام این بنای مقدس و مزید افتخار و شوکت و شرافت آن برادران دینی را مسئلت نموده و بر حسب وظیفه حتمی و تکلیف شرعی از مساعدت با نیات حسنه ملت و معاضدت مظلومین مملکت کوتاهی نخواهم داشت .

(محمد بن صادق الطباطبائی)

تلگراف از عشق آباد

بم حضور مبارک سیدالابرار آقای حاج سید محمد آقا طباطبائی اقدامات مروتانه حضرتعالی را در آزادی ایرانیان و بنیان قانون اساسی که باعث استحکام دائمی دولت و ملت است با کمال خلوص صمیمی عرض و تشکر میکنم و بدین شکرانه مشغول جشن میباشم امیدواریم که دنباله اقدامات را رها نفرمایند تا اشخاص مغرض زحمات حضرتعالی را بهدر ندهند .

(از طرف عموم طایفه ایران حاج اسدالله امینالتجار)

جواب تلگراف عشق آباد

عشق آباد - بتوسط جناب مستطاب حاج اسدالله امینالتجار خدمت عموم برادران ایرانی از حسن نیت آن برادران محترم که حاکی از حمیت اسلامیت و غیرت ملت است خوشوقت و از اظهار شادمانی که از اصلاح حال ملت و آزادی اسلامی مملکت و افتتاح دارالشورای ملی ایران کرده مسرور از خداوند استحکام این بنا و مزید خوشبختی برادران دینی را سائل و بر حسب وظیفه حتمی و تکلیف شرعی تا آخرین نقطه از مساعدت با نیات حسنه ملت کوتاهی نخواهم داشت .

(محمد بن صادق الطباطبائی)

روز سه شنبه سلخ جمادی الاخری ۱۳۲۴ - در این روز جناب حجة الاسلام آقای طباطبائی و جناب حجة الاسلام آقای بهبهانی تشریف بردند منزل جناب شیخ العراقین که از اصفهان آمده بود قم و از قم همراه آقایان آمده بود تهران دیگر امری مهم اتفاق نیافتاد .

روز چهارشنبه غرة شهر رجب ۱۳۲۴ - امروز طرف عصر مجلسی در مدرسه نظامی منعقد گردید از رؤساء روحانیین آقای طباطبائی و آقای بهبهانی و حاج شیخ فضل الله و آقا سید جمال افجه و آقای صدر العلماء و سایر علماء اعلام و آقا زاده ها از اعیان و درباریها ، مشیر الملک پسر صدر اعظم و وزیر امور خارجه و محتشم السلطنه و مؤمن الملک و بعضی دیگر حاضر بودند از تجار هم جمع کنیری بودند نظامنامه که مشتمل بر چهل فصل بود قرائت شد بنام آقایان علماء بعضی فصول دیگر بآن ملحق کنند و بعضی تغییرات

در آن بنهند آنوقت بطبع برسازند. وزارت تجارت داده شد بشماع السلطنه پسر شاه لکن آقایان قبول فرمودند زیرا که بدون اطلاع بمجلس و تصویب رؤساء بوده است دیوانیان میگویند چون هنوز مجلس رسمی نشده است و نظامنامه آن بصحۀ اعلیٰ حضرت نرسیده است پس اعطاء این منصب و شغل باید امضاء شود در این مذاکره حضرات تجار بالاجماع قبول نکردند و گفتند ما در مجلس این وزیر حاضر نمیشویم و کلیتاً و رأساً رد نمودند وزارت او را. چند روز قبل که آقایان حضور شاه رفتند نوشتیم وزیر دربار امیر بهادر عصای سرطلای خویش را تقدیم حضرت آقای طباطبائی نمود در عوض عصای خودشان که مفقود شده بود. پس از مراجعت آقایان شهرت گرفت که امیر بهادر حضور شاه عرض کرده بود عصای سرطلای خود را دادم به آقا سید محمد و پانصد تومان هم دادم. باقا سید جمال مجتهد افجه و هر دو را راضی کردم این خبر که بحضرت حجة الاسلام رسید عصارا پس فرستادند یعنی عصا را دادند به حاجی غفارخان که فردا به برد و بدهد بامیر بهادر.

روز پنجشنبه دویم رجب ۱۳۲۴ - امروز حاج غفارخان از طرف حضرت حجة الاسلام آقای طباطبائی رفت بصاحبقرانیه و عصای امیر بهادر را برد و باو رد نموده و گفت حضرت آقا فرمودند مرا گمان این بود که سر این عصا برنج است از این جهت قبول کردم اینک معلوم میشود که طلاست و من طلا را در دست نمیگیرم امیر بهادر چون با حضور صدر اعظم و نایب السلطنه خجالت کشید از این رد عصا لذا خود را کنار کشیده و گفت حضرت آقا نهایت بی مرحمتی را درباره من فرمودند لکن من دست از اخلاص خویش بر نمیدارم و حضور حضرت حجة الاسلام عرض کنید باجداد طاهرین شما که من عصای سرکار را پس نمیدهم و نباید هم پس بدهم این رد عصا خیلی بشرف امیر بهادر برخورد و مردم از این رد عصا خیلی خوشحال شدند.

طرف عصر امروز وزیر مختار روس خدمت حضرت حجة الاسلام رسید بقدر نیم ساعت نشسته و گفتگوی سیاسی و بولتیکی کردند.

اول شب نیرالدوله حاکم تهران که معزول شده خدمت حضرت آقای طباطبائی رسید.

روز جمعه سویم رجب ۱۳۲۴ - امروز جمعی از بزرگان و طلاب حضور مبارک حضرت حجة الاسلام آقای طباطبائی رسیدند در باب نظامنامه مذاکره نمودند.

انجمن مخفی ثانوی

بعد از رفتن آقایان بقم انجمن مخفی اولی که فقط همتشان مصروف ترویج معارف و علوم و تشویق از مدارس و مکاتب بود موقوف گردید و اجزاء آن پراکنده و متفرق شدند پس از مراجعت آقایان جناب آقامیرزا محمد صادق پسر دویمی آقای طباطبائی را ملاقات نموده گفتم آقای من، ما امروز بیشتر از سابق محتاجیم بانجمن چه ما سابق مقصود راقطه مذاکره از مدارس و معارف میدانستیم و در بیداری مردم و تشویق آنان بمعارف و علوم ساعی و جاهد بودیم لکن خداوند عالم بر ما تفضل نمود و بقلب پادشاه انداخت که مجلس شورای ملی بماملت مرحمت فرمود و امروز می بینیم اشخاصی در بین افتاده اند

که نه دشان بمملکت موخته ونه ملت را چیزی میدانند عماقرب حق را ممزوج بباطل میکنند مملکت را دچار خرابی وملت را بادولت مضمحل میکنند کلمه حق پر ادبها الباطل حق را مستمسک و ترویج باطل میکنند عماقرب دست علماء و عقلاء را کوتاه کرده جمعی باغرض در کار خواهند دخالت کرد و رشته کار از دست دولت و ملت خارج دیگر نه اسمی ازدولت و ملت و دین بلکه از ایران و مملکت باقی نخواهد ماند پس بیائید انجمنی تشکیل کنیم مخفی که شبها منعقد گردد و کار اجزاء انجمن فقط نظارت در امر مجلس و جلوگیری از مفاسد باشد بالاخره جناب آقا میرزا محمدصادق قبول نمود و انجمنی تشکیل یافت که اجزاء و اعضای آن از این قرار است: آقا میرزا کاظم خان مستعان السلطان - شوکت الوزارة - آقا سید نصرالله اخوی - جناب آقا میرزا محمدصادق - بنده نگارنده ناظم الاسلام - جناب آقا شیخ محمد مازندرانی ولد آخوند ملا عبدالله - حاج جلال الممالک - لواء الدولة - جناب آقا میرزا محمود اصفهانی - میرزا حسن خان پدرزن شعاع السلطنه - آقا سید قریش - آقا میرزا مهدی پسر بزرگ حاج شیخ فضل الله - اسدالله خان سرتیب قزاق خانه - سیف الله خان سرهنگ قزاقخانه برادر اسدالله خان - ابراهیم خان سرتیب قزاقخانه - بهاء دفتر - این اجزاء هفته دوشب حاضر میشدند و انجمن هم ستار بود هر شبی در خانه یکی از اجزاء منعقد میگردد نظامنامه هم نوشتند لکن کار معتد بهی که از این انجمن بظهور رسید چند امر بود که ذیلا نکاشته اند اولاً - آنکه حاج آخوند شریعتمدار حاج شیخ فضل الله از سپهدار پولی گرفت که حاج شیخ فضل الله را با آقایان مخالف کند و در یکی از مجالس هم به آقا میرزا مهدی پسر شیخ که از اجزاء انجمن بود جسارتی کرده بود پس از مذاکره در انجمن قرار شد که در یکی از لیالی عقب او را گرفته وریش بلند او را مقرأض کنند که عبرت دیگران شود قرار بر این شد شب بعد اجزاء در خانه آقای طباطبائی حاضر شدند مقرأض و اسباب کار را فراهم نموده جناب آقا میرزا محمدصادق صلاح ندانست و گفت همین کار را معیوب میکند و باعث رنجش حاج شیخ فضل الله میشود و در اول امر باعث اختلاف خواهد شد جناب آقا میرزا مهدی اصرار میکرد اگر شما اقدام نکنید من تنها اقدام میکنم و خودم جواب پدرم را میدهم بالاخره آراء بر این قرار گرفت که از اذیت او منصرف شویم ولی باو برسائند که این قصد را کردند و او را برسائند دیگر رشوه نگیرد و شیطنت نکند بازی خبر بحاج آخوند رسید لکن ترك شغل خویش را نمود.

امر دوم - آنکه يك شب در انجمن مذاکره شد که جناب حجة الاسلام آقای طباطبائی قدری با مردم به تغیر و تشدد سلوک میکند باید در مقام اصلاح حال ایشان بر آمد و نیز اجزای جناب آقا سید عبدالله از مردم تعارف و رشوه میگیرند و ما هر قدر بخواهیم به اشاره و کنایه یا به پیغام برسائیم اثر نخواهد کرد باید آقای بهبهانی را هم در انجمن حاضر کنیم بالاخره نتیجه مذاکرات این شب این شد که چند روز بعد جناب آقای طباطبائی را بعنوان مهمانی در ظهر بخانه جناب بهاء دفتر آوردیم بطوریکه آقای طباطبائی ملتفت شد یکدفعه خود را تنها دید آدمها و اجزای ایشان را گفتیم رفتند که برای سه ساعت بغروب بیایند و حضرت آقا را ببرند پس از خالی شدن مجلس از اغیار و منحصر شدن بهمان اجزاء انجمن عنوان سخن را اینطور کردیم که امروز بر حسب مشیت خداوند بتوجه امام زمان

ریاست مطلقه ملت تفویض شده است بحضرت عالی آقای بهبهانی اما حضرتعالی با مردم بدسلوک میفرمائید آیه مبارکه ولو کنت فظلاً غلیظ القلب لا انفصوا من حولک . حکم میکند که شخص رئیس باید بحسن سلوک و خوش رفتاری و مهربانی و رؤفت با مردم سلوک نماید اگر مردم از شما مأیوس شوند به کی پناه ببرند و به چه کسی ملتجی شوند و اما آقای بهبهانی این سلوک اجزاء و اطرافیان ایشان مردم را مستأصل و تباه میکند آنوقت خدای ناکرده سستی در اعتقاد مردم پدید خواهد شد آقای طباطبائی در اول امر قدری بخيال افتادند لکن چون پسر عزیز خود را در آن حوزه وانجمن دیده قوه قلبی بخود داده فرمودند اما من چون طمعی بمال مردم ندارم و از دنیا توقعی ندارم لذا تملق و چاپلوسی را ندارم لکن تا يك اندازه هم حق با شما است و تصدیق دارم و البته تغییر اسلوب و سلیقه میدهم از هر يك از شما ها خواهش دارم چنانچه دیدید بخطا رفتم مرا آگاه و متنبه نمائید . از حرف حق و نصیحت دوستان بدم نیاید . و اما آقای بهبهانی چند شب قبل از این جناب حاج میرزا مرتضی آشتیانی داماد من دعوت نمود از من و آقای آقا سید عبدالله و در مجلس نظیر همین مذاکرات را نمود و گفت شما دو عیب دارید یکی آنکه زود متغیر میشوید و مردم را از خود میرنجانید بدون جهت . دوم - آنکه پسرهای شما از جهت لباس از ذی خود تجاوز نمودند و از وضع لباس خود خارج شده پسر ملا را چکار بلباس ستره و شلوار و یوتین من هر دو ایراد ایشان را قبول کرده و تصدیق داشتم و قول دادم هر دو را اصلاح کنم بعد از آن رو کرد با آقای آقا سید عبدالله و گفت اجزای درب خانه شما از مردم رشوه و پول میگیرند و شما را بدنام و ضایع میکنند جناب آقا سید عبدالله در جواب فرمود اگر مرا عاقل میدانید . پس عاقل میدانند چه کند و تکلیف خود را میداند . دیگر آنکه اجزای من جهل سال است که عادت باینکار دارند چطور میشود عادت جهل سال آنها را مانع شوم انشاء الله برور ایام اینکار هم اصلاح خواهد شد . اجزاء انجمن عرض کردند صلاح میدانید ایشان را حاضر کرده یا باصرار و التماس و یا ترس و تخویف ایشان را اصلاح کنیم . فرمودند سعی کنید عدالتخانه تأسیس شود . پس از تشکیل عدالتخانه همه اینکارها اصلاح میشود باری در آن انجمن قرار گذاردیم مفاسد امور را بنویسیم و بتوسط جناب آقا میرزا محمد صادق بنظر حضرت آقا برسانیم . امر سویم - آنکه پس از شروع بانتهابات چنانکه بعد از این خواهد آمد مسوع افتاد که طایفه یهود و ارامنه و زردشتیها اصرار دارند که و کیلی از خود انتخاب کنند و این مطلب باعث ایراد علماء نجف و اصفهان خواهد شد و یکدفعه اختلافی بزرگ پدید خواهد آمد که شاید متخل و مانع مقصود گردد لذا اجزای انجمن رأی دادند که حضرات را دیده آنها را منصرف کنیم از انتخاب و کیلی از نوع خودشان پس از زحمات بسیار طایفه ارامنه بانهایت نجابت و معقولیت حق خود را در انتخاب اول منتقل نمودند بجناب آقای طباطبائی که یا حضرت آقا حق آنانرا در این انتخاب ساقط نماید و یا خودشان از طرف آنان و کیلی باشند و اما طایفه آنها هم حق خودشان را واگذار بجناب آقای بهبهانی نمودند لکن طایفه زردشتی چون ارباب جمشید را و کیلی خود قرار دادند لذا قرار شد اسدالله خان سر تیب قزاقخانه برود ارباب جمشید را بخانه خود دعوت نماید از اینجهت اسدالله خان مأموریت

خود را انجام داده ارباب جمشید را عصر امروز بخانه خود دعوت نمود . اجزاء انجمن قبل از آمدن ارباب جمشید حاضر شدند ارباب جمشید هم آمد پس از تعارفات مرسومه بنده نگارنده روی کردم با ارباب جمشید و گفتم علاوه بر این که شما صاحب این آب و خاک و از ابناء این مملکت می باشید يك اندازه متمول و صاحب مایه و اعتبار و با اکثر از مردم و اعیان و تجار طرف معامله می باشید اگر این مملکت بهرج و مرج افتد و اختلافی بین اهالی پدید آید ضررش بشما بیشتر عاید خواهد گردید بلکه نوع شما و ملت شما دچار زحمت و صدمه خواهند گردید پس شما باید پیش از ما طالب نظم و امنیت و عدالت باشید و امروز ما بزحمات زیاد صاحب این مجلس شدیم و چون اهالی ما هنوز معنی مجلس و کار مجلس را نمی دانند لذا آنطوریکه باید قدر این نعمت را نمیدانند و شاید بادنی اختلافی این نعمت خدا داده را از دست بدهند و علماء اعلام اصفهسان و عتبات عالیات اگر بدانند که بخارج از مذهب اسلام هم در این مجلس وارد خواهد شد البته امضاء نمیکند بلکه جداً مخالفت خواهند کرد و مانع از پیشرفت مقصود خواهند بود پس مناسب اینست که شما هم مانند طایفه آرامنه و یهود یا حق خود را ساقط و یا بکسی دیگر از مسلمانان منتقل نمائید و یا آنکه وکیل خود را از مسلمانان انتخاب نمائید تا مجلس قوتی بگیرد بعد از نضج و قوت مجلس آن وقت مختارید هر که را معین و انتخاب نمائید پذیرفته خواهد شد اجزاء هم هر کدامی همین مضمون را ذکر کردند ارباب جمشید مذاکرات را تصدیق نمود و گفت من باید در انجمن طایفه و ملت زردشتی این مسئله را عنوان بکنم اگر آنها قبول کردند منهم حرفی ندارم ولی تا بتوانم آنها را راضی میکنم . باری ارباب جمشید رفت و تا يك اندازه هم سعی خویش را نمود لکن یکروز جناب آقای بهبهانی در مجلس علناً حمایت فرمود از طایفه زردشتی و فرمود این طایفه را بر مملکت ایران حق آب و خاک است بزرگان این طایفه در خارجه تحصیل نموده و تربیت شده میباشند در پارلمان انگلیس وکیل دارند و تاکنون هم بمعقولیت و نجابت رفتار نمودند البته ارباب جمشید وکیل طایفه زردشتی باید در مجلس شورای ملی وارد شود و از حمایت آقای بهبهانی از ارباب جمشید هم دیگران ساکت شدند و هم ارباب جمشید بر وکالت خود مصر گردید (گویند تعارفی با آقا داد و کار تمام شد) .

امر چهارم - از امور معتدبه انجمن مخفی تانوی اتفاق و اتحاد و بیداری اجزاء بریکاد قزاقخانه است که اسدالله خان و برادرش سیف الله خان پسران ابوالفتح خان میرینجه قزاقخانه و میرزا ابراهیم خان سرتیپ قزاقخانه دامن فتوت را بکمر زده و در انجمن مخفی و سایر جاها خدمات نمایان نمودند بحمل از مفصل و مختصر از مطول آنکه ، اسدالله خان سرتیپ قزاق که از جوانان باتربیت و هواخواهان وطن میباشد و در این عالم جدید که اتفاقاتی افتاد خدمات خوب به ملت نموده و خود و برادرش سیف الله خان در حوزه اسلامیت و ایرانیت ارادت صادقانه و نجابت و فترت اصلیه را مشهود و جلوه داد و در انجمن وطن زحماتش مذکور گردید چه اسدالله خان سرتیپ اول کسی هست که در نظام فریاد نظم و معدلت را کشید و تقاضای عدل و مساوات و قانون را نمود چه در چند روز قبل در قزاقخانه هویدا و آشکارا برای جلب قلوب فرقه بریکاد این عنوان را نمود که امروز اتحاد عموم در يك میزان و کافه طبقات در يك رأی و عقیدت

شدند و عموماً لذت عدالت و آسایش را می برده اند و همگی در تشخیص مرض و تعیین علاج متفق الرأی و القول شده اند جز طایفه قزاق مغرض ناسپاس و خائن خدانشناس که نه از خدا شرم دارند و نه از پادشاه کافر نعمت ولی نعمت بی منت اند و مضر با استقلال دولت و ملت و طرفدار استبداد و جهالت اند چه باینکه بالعبان والشهود می بینند و بچشم خود ملاحظه میکنند که این وزراء خائن و این رؤساء جاهل مال دولت و ملت را میخورند و هزاران خیانت بیادشاه خویش میکنند باز اطاعت آنان را میکنند باینکه پادشاه اسلام امروز نهایت میل را باجراه قانون اسلام و تشکیل مجلس دارند . عین الدوله ما را باذیت ملت واداشت و چقدر در آن لیالی و ایام ما را باذیت و آزار مردم واداشت امروز که علماء اهللام و عموم ملت از پادشاه ، معدلت خانه خواستند و فرمان تأسیس مجلس صادر گردید چرا ما باید در زیر بار عبودیت باشیم چرا نظام و قزاقخانه عدالت نخواهند چرا ما کت باشیم و به بینیم که رئیس ما حقوق ما را بخورد و تازیانه استبداد را بر ما بزند پس بیاید اتفاق کنید اتحاد کنید شاهم مجلس داشته باشید که رئیس شما نتواند بشما تحکمی کند و شمارا بدون جهت با ملت طرف کند و حقوق شمارا پایمال نماید نقص و ملالت و بی شرفی متوجه به خواهد گردید که تمام طبقات مردم در تحت قانون و معدلت باشند و ما که اهل نظام می باشیم خارج از حکم باشیم دیگر آنکه علماء و سادات و صلحاء و خوبانند که حمایت می کنند از مظلومین چرا ما باید معاون ظالمین باشیم سابقاً ما مردم روحانیان و رؤساء ملت را در میان دولت و ملت یک حد قاصلی مبدانستیم و فرقه جلیله علماء رضد یاره عوالم و مانع ترقیات دولت و ملت می پنداشتیم اینک می بینیم خلاف آنچه را که توهم میکردیم ، حالا وقت آن است که ما هم مجلس معدلت بخواهیم و خود ما را شریک ملت و هواخواه وطن دانیم پادشاه خود را مقتدر کنیم و خود را دشمن استبداد نمائیم چه ضرر دارد ما هم مجلس معدلت داشته باشیم تا رئیس ما نتواند بما ظلمی کند این حرفها در قزاقخانه مؤثر افتاد و خورده خورده عموم قزاق بیدار شدند .

خبر بر رئیس رسید اسدالله خان را احضار نموده و حکم حبس داد اسدالله خان گفت تقصیر من در نظام چه باشد و چرا من در مجلس بروم تمرد نموده و سخت ایستادگی نمود رئیس نیز سخت گرفت اسدالله خان هم در معانعت و عدم انقیاد مقاومت نمود رئیس شمشیر کشیده اجزاء قزاقخانه و صاحب منصبان که این بی قاعده گی و خلاف ترتیب را از رئیس دیدند به اسدالله خان گفتند چون رئیس خلاف نظام نمود و شما شمشیر کشید پس بهتر این است که شما ملایم شوید تا تقصیر او مسلم و محقق گردد اسدالله خان چون این خیر خواهی را دید لذا خودش بطرف مجلس روانه گردید یک روز در مجلس ماند خبر بحضرت حجة الاسلام رسید حضرت آقای طباطبائی بعضی پیغامات با اسدالله خان داده و برای نایب السلطنه که وزیر جنگ بود نیز پاکتی نوشتند رئیس قزاق بخیال افتاده ترسید و فوراً اسدالله خان را از مجلس بیرون آورد و معذرت خواست رؤساء قزاقخانه جمع شدند و کتابچه مهر کردند که البته باید قزاقخانه هم مجلسی داشته باشد لذا آراء همگی بر این قرار گرفت که مجلس مشاورت نظامی را تأسیس کنند ولی بعد از اتمام کتابچه اختلافی بین صاحب منصبان و رؤساء بریکاد در نگهداری و ضبط کتابچه واقع گردید این مشاجره و اختلاف سبب شد که کتابچه را یاره کردند لکن بعض عقلاء در بین افتاده میان آنها را التیام

داده باز مجدداً عقدا اتحاد و اتفاق بین آنها بسته گردید و آراء همگی بر مجلس نظامی خاص در بین بریکاد قرار و تعلق یافت و این اول مجلسی است که در نظام تشکیل یافت و سبب آن در واقع اجزاء انجمن بودند که محرم اسدالله خان و برادرش سیف الله خان شدند.

امروز جناب آقا میرزا محمدصادق تشریف بردند صاحبقرانیه برای گفتگوی نظامنامه و اتمام امر انتخاب.

روز شنبه ۴ شهر رجب ۱۳۲۴ - امروز جناب حجة الاسلام آقای طباطبائی کاغذی نوشتند برای نایب السلطنه در باب اسدالله خان سر تپ قزاقخانه که او را بدون جهت حبس کرده اند و نوشتند که این شخص رئیس معلم است که باید این جماعت را تعلیم و مشق نظام بدهد دیگر حق کشیدن شمشیر بر روی شخص محترمی مثل اسدالله خان را ندارد الی آخره.

این کاغذ و این پیغام موجب خوف و ترس رئیس گردیده فوراً اسدالله خان را از مجلس بیرون آورده و معذرت خواست و قبول مجلس راهم نمود و اجزاء متفقاً همعهد و متحد شدند بر تشکیل مجلس جناب آقا سید قریش که از اجزاء حضرت حجة الاسلام و از سادات غیور بود در تأسیس نهایت سعی را متحمل گردیده و از طرف حضرت آقای طباطبائی و انجمن مخفی حامل پیغامات و رسول بود و صورت عهدنامه برای طایفه قزاق نوشته که همگی آن را مهر کردند ما صورت آنرا ذیلا درج مینمائیم.

صورت عهد نامه بریکاد

از آنجائیکه ترقی نوع انسان در هر عهدی و زمانی بسته با اتحاد و اتفاق بوده و هر قومی که نفاق داشته اند تمام شنیده اند و هر جماعتی که اتفاق داشته اند از حیث علم و شرف ترقیها کرده نام نیک در صفحه روزگار گذاشته اند و این اتفاق و اتحاد امریست معنوی و قوه ایست روحانی که یک قومی را مانند اهل یک خانه یگانه میسازد و فرد فرد اجزاء را شریک نفع و ضرر می نماید و در هر قومی که این کواکب سعادت طلوع نماید خوشبختانه از هر حادثه و فتنه مرهون الحال خواهند بود علی هذا این اوقات بدل خداوندی شامل حال عموم صاحب منصبان بریکاد گردید و جزئی نفاق که در میان داشتیم مبدل با اتفاق گردید و تاریخ سویم شهر رجب المرجب (۱۳۲۴) اتفاق و اتحاد نمودیم کما فی السابق بر راستی و درستی بدولت و ملت خدمت و جانفشانی نمائیم چنانچه از ابتدای انعقاد بریکاد هم تا کنون خدمات جانفشانه این چاکران بر اولیاء دولت و ملت مکشوف و مبرهن است برای استحکام قلوب خودمان چنان صلاح دیدیم اتفاق نموده برادرانه در تکمیل جانفشانی کما فی السابق برداخته و در پیشرفت ترقی خودمان و شرف دولت و ملت کمال جد و جهد را داشته باشیم لهذا این ورقه را بر رسم یادگار نگاشته و عموماً مهر نموده و در نزد یکی از ارکان بریکاد بر رسم امانت می نهیم که عند الحاجة حجت باشد و این اتحادنامه یک سر مشقی است که بر سیل وصیت نامه برای اولاد و اعقاب خود میگذاریم به همین قسم که پدرشان اتحاد داشته اند آنها هم این رشته اتحاد را محکم و استوار نمایند امیدواریم که این رشته اتحاد روز بروز محکم تر و

استوارتر شود و این نعمت عظمی را از این قوم سلب نفرماید توضیح آنکه موافق این اتحاد نامه اشخاصیکه این ورقه را امضاء نموده و بقید قسم ملتزم شده‌اند هر گاه از آنها خیانتی ظاهراً و باطناً نسبت بدولت و ملت بروز و ظهور نماید و بدرجه یقین و علم برسد اورا بدست اولیاء دولت و ملت خواهیم داد که معدوم صرف نمایند که عبرة للناظرین شود و بهیچوجه هم بیازماندگان اورعایتی از طرف صاحب منصبان بریکاد نخواهد شد فی سویم شهر رجب ۱۳۲۴ .

روز یکشنبه پنجم شهر رجب ۱۳۲۴ - امروز حضرت آقای طباطبائی نقیضت و نوبه عارض ایشان گردید کمتر بیرون تشریف آوردند لکن اعیان و بزرگان دیدن می‌آیند .
 آقای بهبهانی هم مشغول پذیرائی واردین می‌باشند دیگرانهم در مدرسه نظامی نشسته مشغول مذاکره در امر انتخاب می‌باشند .
 امروز حکم تکفیر سیه‌دار از اصفهان از طرف آقای نجفی رسید که مشعر بر کفر او بود که مسلمانانرا امر باجتناب از او فرموده‌اند تلگرافاتی هم از ولایات نخابره شده است که ماصورت بعضی از آنها را درج می‌نمائیم .

تلگراف از مشهد

حجج الاسلام و حماة حوزه شرع سیدالانام را بعرض سلام مصدعیم
 و در آستان قدس بدعا کونی مشغولیم البته این مساعی جمینه منظور نظر
 حضرت حجة عصر عجل الله فرجه و علیه و علی آباءه افضل الصدوة والسلام
 میباشد و چون صلاح ملت و دولت است تمام طبقات از عواطف شاهنشاه
 اسلامیان بناه خلد الله ملکه فرین تشکر و امتنان اند . سید اسد الله فروینی -
 شیخ ذبیح الله - سید عبدالمجید - شیخ محمد تقی تربتی الاصل - زین العابدین -
 رئیس الطلاب - شیخ حسن - امضاء آت این تلگراف از علماء اعلام مشهد
 مقدس میباشد .

از کرمان

حضور مبارک حضرت مستطاب اجل شیخ الطائفة رئیس فرقه - سرکار
 حجة الاسلام آقای طباطبائی دام ظلّه در این موقع که نتایج اقدامات عالیّه
 بموجب نفاذ دروات و ترقی ملت مشهور شده با کمال خلوص عرض تبریک
 می‌نماید .

(خانم ملت محمود)

امضاء فوق از آقا میرزا محمود مجتهد است

ایضاً از کرمان

آستان مقدس حضرت آیه الله رئیس المسلمین آقای آقا میرزا سید محمد روحی قندهار - ورود موکب مسعود و فوزیه مقصود موجب سعادت دولت و ملت مبارک و میمون باد .

(فدوی منتصر الممالک)

امضاء فوق از منتصر الممالک یکگلریگی کرمان است که در زمره بزرگان واعیان کرمان است .

از همدان

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آقای آقا میرزا سید محمد مدظله العالی - شکرند ایرا که تیردعای پیرما به هدف واقع و کوکب اقبال آنحضرت از مطلع سعادت طالع بخت اهل ایران سر بلندی کرد و بار دیگر آفتاب عواطف حضرت مستطاب عالی مدظله العالی و سایر علماء اعلام مدظله العالی بر عموم اهالی بلاد مسلمین بر تو افکند فعلا برود مسعود تبریک معروض میدارد و مزید اقبال و اجلال حضرت مستطاب عالی و سایر علماء اعلام را همواره از ایزد متان مسئلت می نماید .

(الاحقر حاجی آقا حسین فاضلی)

از کلات

حضور مبارک حضرت مستطاب آیه الله رئیس حوزه مقدسه اسلامیه آقای آقا میرزا سید محمد مدظله العالی تعظیمات آتیه ملیه را در خدمت امنای حوزه مقدسه اسلامیه قبول تجدید تبریکات خود در موقع حصول این سعادت ابدی و عید بزرگ اسلامی قرار میدهم و یومئذ یفرح المؤمنون بنصر الله ینصر من یشاء و هو عزیز رحیم .

(میرزا آقا)

امضاء تلگراف فوق از آقا میرزا آقا مجاهد اصفهانی است که در کلات محبوس است .

از همدان

حضور مبارک آقایان حجج الاسلام ادام الله اظلالهم از عرض خلوص

بعرض تبریک مصدع و از انجام مقاصد ملیه اسلامی که موجب رفاهیت عموم اهالی است متشکر و مزیده شرح مقاصد مهمه اسلامی را حسب وعده منتظریم
(محمد باقر رضوی - امام جمعه)

از کلات

خدمت جناب ناظم الاسلام - تبریکات داعی در حوزه مقدسه تقدیم .
(مجدد الاسلام)

رشیراز

خدمت سرکار حجة الاسلام آقای آقامیرزا سید محمد طباطبائی دامت برکاته - انشاء الله تعالی ورود جناب مستطاب عالی و سایر آقایان عظام میمون و مبارک خواهد بود اهم مستدعیات اهالی فارس از ناحیه شریفه خلاص قوام الملك و اصلاح امور ایشان است و امروز اگر جداً باتفاق در این مقام بر آئید قطعاً نتیجه مقصوده حاصل و عموم اهالی متشکر خواهند بود خدا میداند این تدابیر برای تجدید ایالت فارس با حال وحشت که در خلق مشهود است آهن سرد کوبیدن است . خدمت آقای شیخ و آقای بهبهانی هم عرض شد منتظر جواب میباشم .

(ابراهیم الشریف)

تلگراف فوق را جناب حاج میرزا ابراهیم مجتهد شیراز از خط کمیانی انگلیس مخا بره نموده است چون از وقتی که شعاع السلطنه از حکومت فارس معزول گردید و وزیر مخصوص بحکومت رفت و علاءالدوله هم که بود قوام الملك را در طهران نگاهداشته بودند لذا استدعای جناب آقا این است قوام الملك را مرخص کنند و آقایان توسط کنند از او که برود بفارس تا امر ملت قوت بگیرد و یا مقصودش همراهی از قوام الملك بوده که به خواهش پسر هایش این تلگراف را مخا بره نموده است دیگر العلم عند الله و چون هنوز حاج شیخ فضل الله مخالفتی ظاهراً نکرده است لذا اشاره هم باو کرده است . روز دوشنبه ششم شهر رجب (۱۳۲۴) - امروز جناب عضد الملك آمد نزد حضرت آقای طباطبائی که استدعا کند حضرت حجة الاسلام طرف عصر تشریف ببرند در مجلس شورای ملی لکن نقاهت حضرت حجة الاسلام رفع نشده است مشکل بتوانند حضور بهم رسانند صدر اعظم میرزا نصر الله خان مشیرالدوله امروز نهار مهمان است مترجحاً آقایان کبر پروردی جناب حاج شیخ فضل الله هم آنجا بود با جمعی دیگر بعد از صرف نهار همانجا خوابیدند که عصر را بروند بمجلس شورای ملی برای امضاء و تصحیح نظامنامه چون جناب حجة الاسلام آقای آقامیرزا سید محمد تشریف نبردند در مجلس صدر اعظم هم نرفت لکن سایرین با مشیر الملك پسر صدر اعظم رفتند و در مجلس حاضر شدند

لکن صحبت امروز از امر نان و گوشت بود و کتابچه امتیاز آنرا نوشتند که بنظر صدراعظم و آقایان برسانند .

جناب آقا سید برهان الدین خلخالی که از بستگان امیربهادر وزیر دربار بود امروز آمد نزد بنده و گفت امیربهادر شخص مسلمانی است و امروز در ذهن او جا گرفته است که مجلس مشاورت خلاف شرع است و اگر حضرت آقای طباطبائی در یک مجلس با ایشان بنشینند و صریح بفرمایند که این مجلس موافق شرع است و بدلیل و برهان و حکم بتی لزوم آنرا بفرمایند هر آینه این مرد باور میکند و دیگر همراه میشود موافقت او بهتر است از مخالفت چه این شخص همیشه اوقات نزد شاه می باشد لذا باید او را همراه نمود بنده گفتم حضرت آقای طباطبائی بخانه او نمرود و راضی هم نمیشود که او به خانه آقا آید چه آنوقت مردم میگویند آقا تعارف و رشوه گرفته است باین جهت ملاقات این دو نفر مشکل است آقا سید برهان گفت اولاً در مجلس علنی ملاقات کنند نه در خلوت و دیگر آنکه در خانه خود شما باشد که از هر دو دعوت کنید و باعث ملاقات شوید لذا بنده نگارنده خدمت حضرت آقای طباطبائی عرض کردم حضرت آقا قبول فرمودند یا در خانه خودشان در مجلس علنی باشد و یا در منزل بنده نگارنده قرار بر این شد که جناب آقا میرزا محمد صادق ملتفت شده و مانع شد و گفت موجب اتهام و بدنامی ماها می باشد آنوقت مردم بد میگویند از این جهت زحمات بنده نگارنده و جناب آقا سید برهان الدین به در رفت .

روز سه شنبه هفتم رجب ۱۳۲۴ - امروز جناب آقا سید عبدالله را احضار کرده بودند برای رفتن حضور شاه و حضرت آقای بهبهانی مستعد و مهیا از برای رفتن به صاحبقرانیه شده که طلاب خدمت جناب آقا رسیده و جداً مانع شدند و عرض کردند این رفتن شما تنها نزد شاه موجب اتهام است جناب آقا سید عبدالله طلاب را خاموش و بدلیل و برهان مدلل نمودند که رفتن نزد اعلیحضرت لازم است و اگر نروند کار میوب خواهد گردید طلاب عرض کردند پس تنها نروید جناب آقا گفت شاه مرا تنها خواسته است شاید بخواد حرفی محرمانه بفرماید و بودن ثالث مانع باشد بهر جهت جناب آقا تشریف بردند به صاحبقرانیه و مراجعت را آمدند منزل حضرت آقای آقا میرزا سید محمد لکن هنوز معلوم ما نگردید که مطلب چه بوده است .

حاج سیف الدوله وزیر تجارت هم امروز بقدر صد نفر از تجار را احضار نمود که ما هم باید مجلسی داشته باشیم خوب است تجاریان زده نفر را و کیل کنند که این یانزده نفر در مجلس محاکمه وزارت حاضر شده و در امور تجار ناظر باشند نوشته هم نوشتند بعضی مهر کرده بعضی عذر آورده که باید فکری کنیم و در این امر تأملی نمائیم آنوقت جواب میدهیم .

حاج محمد تقی و حاج حسن مطالبه خرج این مدت تحصن را نموده مدعی بودند که سی و دو هزار تومان از خود خرج کردیم تجار صورت خواسته تا هیجده هزار تومان صورت دادند لذا تجار گفتند بیست هزار تومان شما منتها خرج کردید . از خارج هم خبر داریم که شما معاونتی شده است حاج محمد تقی و برادرش مدعی بودند که ماسی و دو هزار تومان پول داشته و اینک دیگر چیزی در دست

نداریم باری آقایان ازتجارخواهش نمودند که آنچه می گویند بآنها بدهید حضرات تجار صورتی نوشته و پولی رویهم تقسیم کردند ازقرارصورت ذیل گرفته شده و بآنها دادند .

صورت اشخاصیکه پول دادند به حاج محمدتقی برای آنچه که در سفارتخانه خرج شده بود

حاج حسین آقامین الضرب . حاج معین بوشهری . حاج محمد اسماعیل آقا مغازه . آقامیرزا محمود اصفهانی . ارباب چشمید .

بازی پول حاج محمدتقی و حاج محمد حسن را که در سفارتخانه خرج کرده بودند برحسب خواهش آقایان جمع آوری نموده و دادند .

ادیب المجاهدین کرمانی که در واقعه گرفتاری جناب حاج شیخ محمد واعظ گنوله تفنگک به رانش خورده تا کنون مشغول معالجه او می باشند این ایام حالش بهتر شده است یعنی از خطر گذشته است دستخطی هم از اعلیحضرت خطاب به اعلم الملك که از اطباء مخصوص شاه می باشند صادر شده است که از ادیب المجاهدین توجه و پرستاری کنند اعلم الدوله هم نوشته بیجناب آقا سید ابوتراب که از اطباء مریضخانه دولتی است در دست ادیب است که ما صورت آنرا درج تاریخ خود مینمائیم و هذا صورته :

عنوان پاکت

خدمت ذی شرافت جناب فخامت نصاب آقای آقامیرزا سید ابوتراب خان حکیمباشی مقیم مریضخانه مبارک دولتی زید اقباله .

قربانت شوم - پس از تقدیم مراتب اخلاص و ارادت حسب الامر قدر قدرت همایون شاهنشاهی ارواحنا له الفداء ابلاغ مینمایید از جناب ادیب نگاهداری نموده اگر حمل و نقل او ممکن است که به مریضخانه مبارک بیاید در آنجا و الا در منزل خود او همه روزه عبادت فرموده تا وقتیکه شفای کامل یافته راپورت سلامتی او را بعد باین ارادتمند مرحمت بفرمائید تا بعرض خاکپای اقدس مقدس اعلیحضرت ظل اللهی ارواحنا فداء رسانیده خدمات جنابعالی معروض شود .

(ارادتمند صمیمی خلیل است)

چهاردهم جمادی الثانیه ۱۳۲۴

این مکتوب را دکتر خلیل خان منقوب با عدم الدوله رئیس اطباء دولتی برای آقای سید ابوتراب خان که از اطباء مریضخانه دولتی است نوشته است و از اقدامات و توجهات و پرستاری آقا سید ابوتراب خان این ایام حال ادیب المجاهدین رویه بهتری است .

روز چهارشنبه هشتم رجب ۱۳۲۴ هجری - امروز صبح نظام الملك وزیر عدلیه و جناب آقای صدرالعلماء خدمت حضرت آقای طباطبائی رسیدند برای احوال پرسی . رفتن جناب آقا سید عبد الله حضور

شاه باعث گفتگوی مردم گردیده قلوب عموم عامه متزلزل گردیده که بعد از این همه هیاهو و این همه ضرر و خسارت و اتلاف نفوس هم‌اقریب این آقا ملت ضعیف جاهل را خواهد فروخت به ثمن بغض خداوند! خودت رحم کن مقصود ما این بود که اول ملت عالم شود پس از علم و تصحیح و تلقیح ادارات دولتی و منظم شدن وزارتخانه‌ها و امنیت آنوقت قهرآ دولت مشروطه و حریت حاصل خواهد گردید ولی حالا این ملت جاهل که از علم و صنعت عاریند چه گونه قدر این نعمت خدا داده و این گوهر گران بها را بدانند و آیا بتوانند بخوبی باخر رسانند .

طرف عصر امروز آقایان تجار آمدند منزل آقای طباطبائی و عنوان کردند که از رفتن جناب آقا سید عبدالله حضور شاه مردم در وحشت و خیالات افتادند می‌ترسیم آخر ما ملت را بفروشدند جناب حجة الاسلام آقای طباطبائی اطمینان بایشان داده و فرمودند جناب آقا سید عبدالله که تا با امروز صد هزار قسم زحمت و مرارت کشیده است و متجاوز از بیست کرور تومان بمردم ضرر وارد آورده است چگونه میتواند گول بخورد و جانب ملت را فرو گذارد . مجلاً اطمینان به تجار داده بعد فرمود نظامنامه که چند روز قبل در مجلس قرائت شد آنرا دولت تغییر داده است ماده سوم را بکلی از بین برداشته است یعنی و کلای شهرها را زده‌اند و بعض تغییرات دیگر در نظامنامه داده‌اند ولی ما قبول نکرده‌ایم امشب باید فصول نظامنامه را بنویسیم که پس فردا روز جمعه در مجلس قرائت شود و صورت نظامنامه را در مجلس قرائت نمود . تجار بالاجماع و الاتفاق گفتند ما این نظامنامه را قبول نداریم .

روز پنجشنبه نهم رجب ۱۳۲۴ هجری - در این روز بازمین تجار و کسبه گفتگوی رفتن جناب آقا سید عبدالله حضور شاه می‌باشد کسبه و اصناف طرف عصر بقدر صد نفری آمدند منزل آقای طباطبائی و نیز شکایت از جناب آقا سید عبدالله نموده جناب حجة الاسلام بآنها اطمینان داده و فرمود ما منتظر تصحیح نظامنامه می‌باشیم و الا مسامحه و ملاحظه را سببی دیگر نیست .

امروز شبنامه باژلاتین طبع شده است در کوچه و بازار و مجامع و مدارس انداخته شد که ما صورت آنرا دست آورده و درج تاریخ خود نمودیم و هذا صورته :

شبنامه

بدبخت اگر مسجد آدینه بسازد یا طاق فرود آید یا قبله کج آید

ای افسوس که زحمت و خسارت ما ملت بی نتیجه ماند بلکه نزدیک شد که نتایج آن عاید بعضی از اجزاء محترمین گردد ای خاک بر سر ما ایرانیان جاهل که با آنکه هزار مرتبه تجربه در امری نعائیم باز خیر و شر خود را نمیدانیم پس از آنکه ظالمین خدانشناس جمع کثیری از مظلومین متظلمین را بی جرم و گناه در خون خود غلطانیدند و ابواب آسایش و امنیت را بر ما مسدود نمودند ناچار پناه بدولت معدلت گستر انگلیس بردیم آن حامی عدل و داد ما را پناه داد و دست ظالمین را از ما کوتاه نمود مقاصد خویش را در شرف انجام دیدیم .

علماء اعلام که عطف عنان از مسافرت نمودند شخص شخص بسوی سفارتخانه تاختند و ما را

بمواعید انجام مقصود و انعقاد مجلس شورای ملی و ائق کردند بدین اطمینان از دربار معدلت مدار انگلیس کنار کردیم و همه روزه انتظار فرج کشیدیم پس از مدتی نه از مقصود اثری و نه از مطلوب نشانی هویدا است چه شده دولت را که بوعید خود وفا نمی نماید و چه شد علماء را که به عهود خویش عمل نمی نمایند چنانچه روزی چند بدین منوال بما بگذرد که به مقاصد خود نرسیم در مقام دادخواهی از دولت و علماء ملت بر خواهیم آمد و روزگار را بر چشم ظالمین مدار و منافقین کج رفتار تیره و تار خواهیم کرد و در طلب حقوق ملی خویش از احدی تبعیت نخواهیم نمود و جانهای خود را در سر این کار خواهیم گذاشت - بقیه دارد .

این شب نامه منتشر گردید دیگر بقیه آنرا ندیدیم مسامحه و ملاحظه که مردم گمان میکردند همانا مرتب نشدن نظامنامه بود که هنوز طبع نشده است مردم هم گاهی در مدرسه نظامی یعنی مدرسه که سابقاً مدرسه بود و این ایام برای مجلس و امر انتخابات معین شده است جمع میشوند بعضی هم در خانه های آقایان آمد و شد میکنند اعلیحضرت شاهنشاه هم در قصر صاحبقرانیه با حالت مرض و کسالت بسر میبرند شاهزاده عین الدوله هم در شمیرانات تهیه مسافرت می بیند ولی هنوز عازم بر مسافرت نیست و به مسامحه و ملاحظه و دفع الوقت میگذراند صدراعظم حالیه مشیرالدوله هم تا عین الدوله در اطراف تهران باشد ملاحظه میکند مردم هم از حرکت نکردن عین الدوله بیخبال افتاده اند .

روز جمعه دهم رجب ۱۳۲۴ هجری - امروز عده کثیری از تجار و کسبه که عده آنان به یانصد نفر میرسد آمدند منزل آقای طباطبائی که جناب آقا سید عبدالله از همراهی ملت منصور و مایل بدولتیان شده است بعضی از مردم هم رفته بودند منزل حاج شیخ فضل الله و شکایت از آقای بهبهانی کرده و میکنند . بعضی از مردم هم قسم خورده اند که جناب آقای بهبهانی را بقتل رسانند . حضرت حجة الاسلام آقای طباطبائی فرمودند ای مردم در این امری که ما زحمات بسیار کشیده و جمعی بقتل رسیده و متجاوز از بیست کرویر ایرانیان ضرر رسیده چه طور تصور می شود که شخص عاقلی مانند آقای آقا سید عبدالله را بی جهت متهم نمود و باور نکنید که ایشان از این مقصود بزرگ منصور شوند این سوء خن را نسبت بجناب آقا سید عبدالله نکنید من تاجان دارم از همراهی درباره ملت دریغ نخواهم نمود . بالاخره مردم را از بعض خیالات منصور فرمودند .

طرف عصر سه ساعت بغروب مانده مجلس منعقد گردید علماء اعلام و بعضی از وزراء حاضر شدند نظامنامه نوشته قرائت نمودند لکن بعضی قبول نکردند . نظامنامه دولت را هم رد نمودند پس از مذاکرات بسیار آراء بر این قرار گرفت که تا روز دوشنبه تجار و علماء باهم بنشینند و نظامنامه بتویسند و روز دوشنبه بیاورند و عن فصول و مواد آنرا بخوانند جناب حجة الاسلام آقای آقا سید عبدالله در مجلس بر خواسته و قسم خوردند که من از دولت چیزی نگرفته ام و از خیال خود منصور نشده ام چرا شما مردم صبر و حوصله ندارید کاریان بزرگی را چگونه میتوان در درسه روز انجام داد بجملاً بصد هزار قسم و گفتگو مردم را اطمینان دادند . جناب حجة الاسلام آقای آقا سید محمد نیز بر خواسته خطابه خواندند مردم را اطمینان داده از فرمایشات ایشان مردم مطمئن شده آرام گرفتند .

روز شنبه یازدهم شهر رجب ۱۳۲۴ هجری - امروز تجار و آقایان مشغول نوشتن نظامنامه

می باشند امروز عصر جناب شیخ الملك کرمانی که تازه از فرنگستان مراجعت نموده آمده بنده منزل و گفت ما اهالی ایران تا کنون در خط مجلس و قانون و حقوق نبودیم این مدارس هم که تأسیس شده است چون تازه سن و شاگردانش مبتدی بودند از این علم حقوق و علم اداره بی ربط میباشند تجربیات ما هم در این خطوط نبوده است هر یک از ماها هم که بخارجه سفر کردیم اولاً آنکه در این خیالات نبودیم ثانیاً آنکه جوانان ما که جز اشتغال به عیش و عشرت و تماشای مجالس تیارت و لهویات دیگر کاری نداشتند بجز این ما هم مشغول به کسب و تجارت و کار و شغل خویش بودند . امروز که خداوند عالم علمای ما را موفق و مؤید فرمود بر بیداری مردم و همراهی از اهالی ایران و پادشاه ما ، زیادتر از توقع ما بنا داد افسوس و هزار افسوس که نه ما را علم و تجربیات خارجه است تا بآن ترتیب پیش به بریم و نه خودمان به حال خود فکری میکنیم . اشخاص مغرض هم در بین افتاده اند و عملاً قریب کار را خراب میکنند دولت انگلیس سالهای دراز هر یک از نکات را دانسته و ضرر و نفع هر چیز را دیده و از روی تجربه و علم باین حال حاله رسیده است پس خوب است شما خدمت حضرت آقای طباطبائی رسیده محرمانه عرض کنید یکنفر معلم از دولت انگلیس بخواهند تا وضع مجلس و ترتیب مجلس و تدوین قوانین مجلس را بدستباری او بکنند چه این مجلس باید در امور مملکتی و وضع قوانین دولتی مذاکره نماید و تشکیل و ترتیب و وضع آن ربطی بدین و مذهب ندارد بالاخره بنده نگارنده و جناب شیخ الملك در اول غروب امروز خدمت آقای طباطبائی رسیده چون اجنبی در مجلس نبود عنوان مقصود را نمودم حضرت آقا تا یک اندازه قبول فرمودند و نزدیک بود بهمین منوال امر بگذرد که دکتر رضاخان که حاضر در مجلس بود گفت ما معلم از خارجه لازم نداریم چند نفر عاقل دور هم نشستند و مشاورت نمودن معلم نمیخواهد و کاری بزرگ و مشکل نیست چنانچه دیگران باهم نشستند و مشورت نمودند ما هم باهم می نشینیم و مذاکره از کارهای خود میکنیم نواقص خود را عنوان میکنیم و در تکمیل آن سعی میکنیم مجلاً این دکتر اینقدر گفت تا اهل مجلس با او هم رأی شدند و حضرت آقا را از این خیال منصرف نمودند ما هم که چنین دیدیم دیگر ساکت شدیم .

روز یکشنبه دوازدهم رجب ۱۳۲۴ هجری - امروز نظامنامه انتخابات را نوشتند و آوردند خدمت حضرت آقای طباطبائی ارائه دادند حضرت آقا فرمودند اگر عموم مردم پسندیدند ضرر ندارد لذا نسخه های متعدد نوشته شد که بنظر عموم برسانند و برای عامه قرائت کنند امروز با زحمت آقا سید برهان خلخالی بنده نگارنده را دید که درباره امیر بهادر وزیر دربار کاری کنم که یک دفعه حضرت آقا با ایشان ملاقاتی بفرمایند و مشروع بودن مجلس مشاوره را باو بزیان خود بفرمایند لکن بنده نگارنده آنچه سعی میکنم جناب آقای میرزا محمدصادق یاره میکند و مایل باین امر نمی باشد . حضرات طلاب و تجار هم در منازل آقایان امروز باز بعضی مذاکرات می نمایند که راجع بامیر بهادر و اقبال الدوله و سپهدار است .

از طرف سپهدار واسطه آمد و جناب آقا میرزا ابوالقاسم طباطبائی پسر بزرگ آقای طباطبائی را دیده که سپهدار ده هزار تومان بشما میدهد که اسباب دوستی و ملاقات او را با حضرت آقای والد